



۲۰۱۶/۰۱/۱۴

تیمور شاه تیموری

این دد منشان

دیدم که به گلزار وطن خار بر آمد
صد بلبل شوریده به بازار بر آمد
مستان همه رفتند ازین وادی ظلمت
این دد منشان در پی آزار بر آمد
یک توده ناجنس که بفروخت وطن را
یک عده دیگر چو خریدار بر آمد
از بسکه درین بادیه دیوانگی شد عام
دیوانه فرسوده ای هوشیار بر آمد
یک چهره نا مردمی بس بود وطن را
دیدیم که این سانحه تکرار بر آمد
خوردند و ربودند و قییدند و نهفتند
آخر همه شان تگ و تگمار بر آمد
آنانکه به جاه اند بخواب اند و به غفلت
صد شکر جوانان همه بیدار بر آمد
تیمور بوطن لولی لالا همه جمع بود
این قسمت ما است که سر مار بر آمد